

جایگاه علی علیه السلام در فتوت‌نامه‌های قرون پنجم تا هشتم و گرایش شیعی در تحفة‌الاخوان

دکتر محمد مشهدی نوش‌آبادی

استادیار دانشگاه تربیت معلم آذربایجان

چکیده

اهل فتوت از جمله گروه‌های اجتماعی و آیینی در گستره تاریخ اسلام و ایران‌اند که بر اصول اخلاقی و جوانمردی در روابط انسانی تأکید دارند. اصول و قوانین اخلاقی و آیین‌های اهل فتوت در فتوت‌نامه‌ها نوشته شده است. همچنین در این آثار تلاش شده است الگوها و اسوه‌های اخلاقی جوانمردان معرفی شود. مهم‌ترین شخصیت محوری که الگو و اسوه فتوت معرفی می‌شود، علی بن ابی‌طالب علیه السلام است. در این مقاله ضمن بررسی جایگاه امام در فتوت‌نامه، نشان می‌دهیم گرچه در فتوت‌نامه سلمی در سده پنجم به جایگاه امام در فتوت اشاره نشده، اما در فتوت‌نامه‌های سده ششم به بعد، جایگاه امام محوری و انکارناپذیر است. با این اوصاف، در فتوت‌نامه‌های دوره ایلخانی به‌ویژه **تحفة‌الاخوان** کاشانی، علاوه بر نقش محوری امام، عقاید شیعی که در فتوت‌نامه‌های دیگر موضوعیتی ندارد، به‌صراحت مطرح شده، زمینه ورود اینگونه اعتقادات در فتوت‌نامه‌های دوره‌های بعدی را فراهم می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: فتوت، فتوت‌نامه‌ها، علی بن ابی‌طالب، تحفة‌الاخوان، عبدالرزاق

کاشانی.

فتوت و فتوت‌نامه

با وجود پژوهش‌های بسیاری که درباره فتوت صورت گرفته است، هنوز پرسش‌های بی‌پاسخ بسیاری درباره منشأ این آیین، نوع ارتباط آن با مرام‌های صوفیانه، ملامتی، قلندری و عیاری و همچنین هویت چندگانه آن وجود دارد؛ بنابراین پژوهش درباره این مکتب، دشوار و همیشه همراه با احتیاط است؛ زیرا فتوت آیینی است که در طی تاریخ و بر حسب مقتضای احوال، اشکال گوناگون یافته (زرین‌کوب، ۱۳۶۷، ص ۳۴۹)، از این مفهوم پرلایه حیات معنوی و اجتماعی ایران، هر لایه‌ای برداشته شود، پوسته و لایه‌ای دیگری آن را احاطه کرده است؛ از این‌رو هیچ کس نتوانسته است به طور کامل درباره فتوت پژوهش کند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۸).

فتوت آنچنان که در فتوت‌نامه‌ها متجلی شده است نیز صورت‌های چند گانه دارد؛ از فتوت صوفیانه و مبتنی بر توجه به خداوند و دقت بیش از حد در اخلاق رسول، صحابه و اولیاء دین که در «کتاب الفتوة» ابو عبد الرحمن سلمی به چشم می‌خورد (سلمی، ۱۳۷۲، ج ۲) تا فتوت بی‌پروای عیاری سده‌های چهارم تا ششم هجری در بغداد که در آن هتک بسیاری از معیارهای اجتماعی و اخلاقی و دینی، به گونه‌ای آشکار حضور دارند (شفیعی کدکنی، پیشین، ص ۱۵۷)؛ همچنان که فتوت تعدیل‌یافته و امتزاجی عهد ناصر، خلیفه بغداد در سده ششم که کتاب الفتوت ابن معمار معرف آن است، نوعی چرخش از فتوت ملامتی و صوفیانه سده سوم و چهارم نیشابور به جانب اشرافی‌گری و جلوه‌نمایی قلمداد می‌شود (عقیقی، ۱۳۷۶، ص ۴۸-۴۹/ زرین‌کوب، ۱۳۶۷، ص ۳۴۹/ گولپینارلی، ۱۳۷۹، ص ۱۰-۱۲).

در سده هفتم تا هشتم هجری هم فتوت در سایه تصوف به حیات خود ادامه می‌دهد که در آن گرایش‌های صوفیانه و عوامانه و آیینی اهل حرفه‌ها به چشم می‌خورد چنان که در سفرنامه ابن بطوطه از دسته‌های صنفی فتوت در ایران و آسیای صغیر یاد شده است (ابن بطوطه، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۳۱۵-۳۱۶). گرچه پیش از آن برای دو

دسته پیشه‌وران و سپاهیان نوعی جوانمردی ویژه تعریف شده بود، اما در آن دوران هنوز فتیان در قالب‌ها و گروه‌های صنفی از هم تفکیک نشده بودند (ابن اسکندر، ۱۳۶۴، ص ۲۴۲).

در فتوت‌نامه‌هایی که در این دوران تألیف شده است و مؤلفان آن صوفیه هستند، نوعی فتوت آیینی به چشم می‌خورد که سعی فراوان دارد آن را با سنت و سیره پیامبر و صحابه و به‌ویژه امام علی علیه السلام که از دوره‌های قبل نیز اصل و منشأ فتوت معرفی شده بود (ابن معمار، ۱۹۵۷م، صص ۱۳۵-۱۳۶ و ۲۹۷-۲۹۸)، تطبیق دهد. از جمله آنها می‌توان به دو فتوت‌نامه از شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی، فتوت‌نامه منظوم مولانا ناصری، فتوت‌نامه نجم‌الدین زرکوب و «تحفة‌الاکوان فی خصایص الفتیان» عبدالرزاق کاشانی، رساله فتوتیه میرسیدعلی همدانی و همچنین فتوت‌نامه‌ای معروف به فتوت‌نامه عبدالعظیم خان قریب اشاره کرد. در واقع می‌توان گفت این فتوت‌نامه‌ها به منزله دستورالعمل و سرمشق اخلاقی برای گروه‌های فتوت - که در این دوران ظاهراً رنگ صنفی داشته‌اند - تألیف شده بودند و نشان‌دهنده وابستگی این گروه‌ها به تصوف بودند.

شاید آخرین تجلی اجتماعی فتوت که بسیار تحت تأثیر عقاید شیعی و گاهی غالی است، از سده نهم پدید آمده باشد که فتوت‌نامه سلطانی حسین واعظ کاشفی بیانگر اینگونه فتوت است؛ فتوتی که به‌ویژه با اصناف خاصی که کارکرد شغلی آنها آیینی و نمایشی است، در پیوند است (کاشفی، ۱۳۵۰، ص ۲۷۳-۳۹۴).

اینگونه فتوت حتی تا اوایل قرن حاضر در عناوین نام‌های مختلف که آخرین آن درویشان عجم وابسته به سلسله خاکساری است، حیات داشته، طی دوران صفوی و قاجار نقش مهمی در حیات دینی و اجتماعی مردم ایران و آسیای صغیر ایفا کرده است که حاصل ادبی آن ده‌ها فتوت‌نامه است که جملگی از نوع فتوت مطرح‌شده در فتوت‌نامه سلطانی تأثیر پذیرفته‌اند.

امام علی علیه السلام و فتوت

در تاریخ و ادبیات تصوف، امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام جایگاه ویژه‌ای دارد؛ چنان‌که تقریباً تمام سلاسل صوفیه نسبت خرقه خود را به امام علیه السلام می‌رسانند. فتوت نیز که برخاسته از فرهنگ اسلامی و ایرانی است، نسبت چشمگیری با تصوف دارد و شاید بتوان آن را نوعی تصوف عامیانه و مردمی خواند که در غالب گروه‌های خاص اجتماعی به‌ویژه گروه‌های صنفی در شهرهای ایران، عراق و آسیای صغیر شکل گرفته‌اند.

با نگاهی به فتوت‌نامه‌های تألیف‌شده از سده پنجم به بعد، در می‌یابیم امام علی علیه السلام در بین جوانمردان جایگاه ویژه‌ای داشته است؛ چنان‌که رفته‌رفته منزلت امام علیه السلام نزد جوانمردان افزایش چشمگیر یافته، ایشان مقتدا و بنیانگذار و محور این جریان معنوی و اجتماعی معرفی شده‌اند. در این مقاله برآنیم جایگاه علی بن ابی‌طالب علیه السلام را به عنوان رهبر و مقتدای اهل فتوت را بررسی کرده، ضمن آن، گرایش‌های شیعی را که رفته‌رفته در فتوت‌نامه‌ها فزونی می‌گیرد، نشان دهیم.

کتاب الفتوت سلمی

سرآغاز اینگونه گرایش‌ها، بیشتر در فتوت‌نامه ابن معمار و فتوت‌نامه‌های پس از آن به چشم می‌خورد. این در حالی است که در «کتاب الفتوت» صوفیانه ابو‌عبدالرحمن سلمی، نه از امام علی علیه السلام با عنوان قطب فتیان یاد شده و نه در آن گرایش‌های شیعی وجود دارد. گویا بر ساختن شجره‌نامه برای فتوت و تأسی به امام علی علیه السلام به عنوان سید و قطب فتوت، به دنبال ابتذال فتوت عیاری و با انگیزه معرفی الگویی اخلاقی و تعیین دستورالعمل برای جوانمردان بر مبنای فضایل اخلاقی و سنت دینی بوده است.

آنچنان که منابع تاریخی نشان می‌دهند، جوانمردان و عیاران، بانی فتنه‌انگیزی و آشوب و جنایت فراوانی در سده‌های سوم تا ششم بوده‌اند.

بنابراین در کتاب الفتوت سلمی که نماینده فتوت صوفیانه است، به موضوع قطبیت و مرجعیت امام در فتوت اشاره نشده است، بلکه وی مانند دیگر علمای اهل سنت عصر خود، در جایی منزلت امام علی علیه السلام را بدون برجستگی خاص، در کنار دیگر خلفای راشدین آورده است. سلمی در «کتاب الملامتیه» وجوه برجسته‌ای که باید یک جوانمرد دارا باشد را به خلفای چهارگانه و برخی از پیامبران منسوب داشته است؛ از جمله صفت علم که به امام علی علیه السلام منسوب کرده است. وی در این باره می‌نویسد: یکی از صوفیه در پاسخ به سؤالی درباره اینکه چه کسی شایسته مقام فتوت است، گفت: «آن کس که دارای مقام اعتذار آدم و صلاح نوح و وفای ابراهیم، صدق اسماعیل و اخلاص موسی و صبر ایوب و بکاء داوود، سخای محمد صلی الله علیه و آله و رأفت ابوبکر و حمیت عمر و حیاء عثمان و علم علی باشد، [اما] با این همه خویشتن را و آنچه متعلق به اوست، خوار و حقیر بداند» (سلمی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۴۰۸).

منشور خلیفه و تلاشی دیگر برای اسوه‌سازی فتوت

در کنار فتوت صوفیانه، در فتوت عیاری به منظور ساختن سابقه پیوسته برای آیین فتوت، تلاش‌هایی صورت گرفته است؛ چنان که در نیمه قرن پنجم هجری، ابن الرسولی ملقب به «کاتب الفتیان»، فتوت را میراث پیامبران و امامان می‌شمارد و سابقه آن را تا نوح و آدم به عقب می‌برد تا با نگاه اسطوره‌ای خویش، این جریان را جریان اصیل قلمداد کند. وی فتوت را میراث پیامبران و امامان شمرده، بر آن است این میراث از آدم به شیث نبی رسید؛ سپس به نوح انتقال یافته، از نوح به سام رسید تا اینکه در حضرت ابراهیم خلیل ظاهر شد؛ چنان که در قرآن هم به مقام وی با عنوان جوانمرد تصریح شده است؛ سپس این میراث پس از آنکه مدتی پنهان ماند،

در حضرت موسی علیه السلام آشکار شد و ایشان آن را به هارون تفویض فرمود. پس از ایشان فتوت در حضرت عیسی علیه السلام ظاهر گشت و سرانجام به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسید (مصطفی جواد، ۱۹۵۷م، ص ۳۹، مقدمه).

اما نیم قرن بعد، به دنبال تلاش خلیفه ناصر برای جلوگیری از هرج و مرج ناشی از صف آرایی و خونریزی عیاران، منشوری صادر شد که اهل فتوت و عیاران را ملزم به رعایت آن می ساخت. این منشور جدید که سران احزاب جوانمرد آن را امضا کرده، متعهد به رعایت اصول آن شدند، در کتاب المناقب العباسیه تألیف علی بن الفرج بصری آمده است. جالب اینکه قسمت اعظم این منشور که آن را استاد مصطفی جواد در ضمیمه کتاب الفتوة ابن معمار آورده است، مربوط به علی بن ابی طالب علیه السلام است و در آن سعی شده است ضمن معرفی امام با عنوان مبدأ فتوت و پاسدار شریعت، اهل فتوت را به رعایت اصول شرعی و جلوگیری از قتل رعایت و تبعیت از خلیفه الناصر ملزم کند.

در این منشور نخست گفته شده است: آنچه در آن تردید نیست، این است که اصل فتوت و منبع و مطلع آن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب است؛ چنان که تمام محاسن و آداب فتوت را از وی نقل می کنند و تمام بیوت و قبایل فتیان، خود را بدو منسوب می دارند، و برادری و جوانمردی را تقلید از برادری و برادرخواندگی آن حضرت با رسول اکرم صلی الله علیه و آله می دانند و آن حضرت با وجود کمال جوانمردی و داشتن برتری های بسیار، حدود شرع را در هر حال و هر مرتبه رعایت می کرد؛ مجازات مناسب در حق جنایتکاران را از هر طبقه که بودند، اجرا می فرمود و در این کار فرمان برداری از خدای تعالی، اقامه حدود وی و رعایت نظام شرع را در نظر داشت. ایشان این گونه کارها را به طور علنی و در برابر روی یاران پاک رسول به انجام می رسانید. هرگز شنیده نشده است کسی آن حضرت را درباره نحوه برپاداشتن حدود و اجرای مجازات های شرعی سرزنش کرده یا بر او طعنه زده باشد، و اینکه

اخلاق شریف و سجایای کریم او شایسته آن است که مورد تقلید و پیروی قرار گیرد (همان، ص ۲۹۷-۲۹۸ / قس با: محجوب، ۱۳۵۰، ص پنجاه و شش، مقدمه).

متن این منشور، نشان‌دهنده گرایش شیعی خلیفه الناصر است؛ امری که بازتاب آن در کتاب الفتوة ابن معمار هم دیده می‌شود. حتی در کتاب الحوادث الجامعة نیز آمده است که خلیفه «المستنصر» که حدود یک سال پس از ناصر به خلافت رسید، به مشاوره و توصیه یکی از سران فتوت، که سراویل فتوت را در برابر مرقد مطهر امام علی علیه السلام بپوشد تا به نوعی این کسوت را از حضرت دریافت دارد و با سندی عالی، به پیری این طایفه برسد، پس از موافقت نقیب فتوت «جلال‌الدین بن عبدالله بن مختار»، خلیفه به سوی مشهد علی بن ابی‌طالب در نجف روی نهاد و در مقابل ضریح آن حضرت، سراویل فتوت پوشید (محجوب، ۱۳۵۰، ص هفتاد و یک).

امام علی در کتاب الفتوة ابن معمار

در کتاب الفتوة ابن معمار که زیر تأثیر فتوت خلیفه ناصر و اوضاع و احوال آن دوران نوشته شده است، امام علی علیه السلام جایگاه اساسی دارد. در واقع این کتاب اولین و قدیمی‌ترین سندی است که تلاش می‌کند همانند سلسله‌های صوفیه برای فتوت نیز سلسله‌ای تنظیم کند که از امام علی نشئت می‌گیرد؛ امری که به عنوان الگویی، مورد استفاده دیگر نویسندگان فتوت‌نامه‌های پس از وی قرار گرفته است؛ چنان‌که در فتوت‌نامه «نقاش» که اوایل سده هفتم تألیف شده نیز شجره‌نامه‌ای شبیه کتاب ابن معمار به چشم می‌خورد (ر.ک: گولپینارلی، ۱۳۷۹، صص ۴، ۹، ۴۳ و ۱۳۸).

ابن معمار در ابتدا، حدیثی از پیامبر نقل می‌کند که خطاب به امام علی علیه السلام گفت: «انت یا علی فتی و ابن فتی و اخو فتی»؛ سپس به امام علیه السلام می‌فرماید: «ابوک ابراهیم اخوک انا و فتوتی من فتوت ابیک و فتوتک منی». سپس به واقعه رشادت امام

علی علیه السلام در جنگ أحد و ندای هاتف غیبی درباره امام اشاره می‌کند که ندا داد: «لا فتی الا علی» (ابن معمار، ۱۹۵۷م، ص ۱۳۵-۱۳۶).

وی در سلسله سند فتوت، حضرت ابراهیم علیه السلام را مبدأ فتوت می‌خواند و وی را که بت‌ها را شکست، «ابوالفتیان» لقب می‌دهد. در ادامه قائل است: فتوت ابراهیم به انبیا و سرانجام به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسید و از او به علی بن ابی‌طالب و از او به سلمان فارسی رسید (همان، ص ۱۴۰-۱۴۳).

ابن معمار در ذکر سلسله فتوت خلیفه الناصر نیز وی را از طریق عبدالجبار بغدادی - که از دست وی سراویل فتوت پوشید - به سلمان فارسی و امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌رساند (همان، ص ۱۴۷).

سه شخصیت محوری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، امام علی علیه السلام و سلمان فارسی که در کتاب ابن معمار با عنوان سرآمدان فتوت در اسلام یاد شده‌اند، در فتوت‌نامه‌های بعدی نیز نقش محوری دارند. این سه شخصیت در فتوت‌نامه‌هایی مانند فتوت‌نامه‌های فارسی و عربی عبدالرزاق کاشانی و فتوت‌نامه شمس‌الدین آملی و برخی فتوت‌نامه‌های دوره صفوی، اسطوره‌ها و در آیین‌هایی از جمله آیین نوشیدن آب و نمک یا شربت ورود به جرگه فتیان، ظهور و بروزی آشکار دارد و رنگ شیعی آن را تقویت می‌کند.

بخشی از حکایت‌هایی که ابن معمار در اثر خود آورده است، مربوط به ایشار و فداکاری و شجاعت امام علی است (همان، صص ۲۷۵ و ۲۸۴-۲۸۶). این حکایات کم‌وبیش در فتوت‌نامه‌های بعد از آن نیز طرح شده است. بدین ترتیب حجم زیادی از محتوای این کتاب، مربوط به امام علی علیه السلام است و گویا از همان آغاز فتوت عیاری در بغداد، امام علی علیه السلام عنوان مقتدا و پیشوای معنوی فتیان مطرح بوده و داستان‌های مربوط به جوانمردی وی سینه‌به‌سینه نقل مجالس آنان بوده است.

علی علیه السلام در فتوت‌نامه سهروردی

شاید بتوان نقطه تحول فتوت‌نامه‌ها، درباره جایگاه معنوی امام علی علیه السلام را در فتوت‌نامه شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی (م. ۶۳۲ق) جستجو کرد؛ در واقع در این فتوت‌نامه که در حدود زمان تألیف کتاب الفتوة ابن معمار و یا کمی پس از آن نوشته شد، برای اولین بار باورهای صوفیانه درباره امام علی علیه السلام — که در ارتباط با فتوت است — مطرح می‌شود؛ امری که در فتوت‌نامه‌های قبلی سابقه ندارد و شاید این طلیعة ورود امام علی علیه السلام به فتوت‌نامه‌های صوفیانه است که از این دوران با فتوت عیاری گره خورده است. در این فتوت‌نامه که در آن گرایش‌های شدید شیعی هم به چشم می‌خورد، ابتدا بحثی نسبتاً طولانی درباره شخصیت شیث به عنوان کسی که فتوت از آدم به او به ارث رسید، مطرح می‌شود. در این باره می‌توان گفت: چنین طرحی از شیث بی‌مناسبت با تصویر عرفانی وی نزد صوفیه نیست (سهروردی، ۱۳۷۰، «الف»، ص ۹۱-۹۳). بر اساس این طرح، فتوت از شیث به ابراهیم می‌رسد و از او به اسماعیل؛ همچنان که فتوت از اسماعیل صلب به صلب به عنوان میراث به سید کائنات و خلاصة موجودات، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم رسید که از نسل اسماعیل بود. در این دوره، کمال فتوت — که پوشیده بود — به اظهار رسید.

وی درباره فتوت امام علی علیه السلام می‌نویسد: «فتوت که در خانه نبوت و یا ولایت سر بر می‌آورد، پس از سید — علیه السلام — به امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب — رضی الله عنه — رسید که از نسل سید بود — علیه السلام — و ابن عمه خواجه بود. سید در حق امیرالمؤمنین علی چنین فرمود: "یا علی انت منی بمنزلة هارون من موسی"» (همان، ص ۹۹-۱۰۰).

سهروردی می‌افزاید: اگر محمد صلی الله علیه و آله و سلم خاتم پیامبران نبود، نبوت بعد از وی به علی می‌رسید؛ اما اگر علی نبی نبود، ولی بود: «همچنان که از عهد نبوت تا نفخ صور هیچ کس به فتوت علی نبود و نباشد». وی سپس ضمن نقل داستانی، فتوت را میراثی

برای خاندان امام علی علیه السلام می‌داند و تعبیر جالبی نیز از حدیث معروف «شهر علم» دارد که رنگ عرفانی و همچنین شیعی در آن قابل ملاحظه است. او می‌نویسد:

در نقل چنین گفته‌اند که روزی در خانه امیرالمؤمنین علی افطار نکرده بودند؛ به روایت دیگر هفت روز، از عالم غیب سه قرص جوین حق تعالی بفرستاد. امیرالمؤمنین علی یکی به حسن داده و یکی به حسین و یکی را به دو پاره کرد نیم به فاطمه زهرا داد - رضی الله عنهما - و نیمی خواست که بخورد، در حال درویشی بر در آمده امیرالمؤمنین علی - رضی الله عنه - نصیب خود را به درویش داد. فاطمه نیز موافقت کرد. حسن و حسین هم موافقت کردند که از اولاد خاندان بودند و فتوت به آن خانه میراث ماند. طریقت و فتوت از خاندان نبوت به علی مانده؛ زیرا که سید - علیه السلام - شهرستان طریقت و شریعت و فتوت و کرامت و سخاوت و مروت بود و امیرالمؤمنین علی در شهرستان علم بود، و از آنجاست که خواجه - علیه السلام - در حق او فرمود: «انا مدینه العلم و علی بابها». هر که در شهرستان علم و عمل قدم نهاد، گذر بر امیرالمؤمنین علی - رضی الله عنه - کرد؛ اول مقام خدمت علی یافت، آنکه در شهرستان قدم نهاد (همان، ص ۱۰۰-۱۰۱).

همچنین سهروردی این رساله را با صلواتی به پایان می‌برد که در ادبیات آن دوره کمتر سابقه دارد؛ زیرا صلوات بر پیامبر در نزد اهل سنت یا منحصر به شخص ایشان است و یا در کنار صلوات بر پیامبر، به خاندان و صحابه او در کنار هم درود فرستاده می‌شود؛ اما در این صلوات اشاره‌ای به صحابه نشده است: «و صلی الله علی محمد و آله اجمعین الطیبین و الطاهرین» (همان، ص ۱۰۲).

از سهروردی رساله دیگری نیز در فتوت در دست است که تفصیل بیشتری دارد و نسبت به آداب و رسوم اهل فتوت کاربردی و علمگرایانه‌تر است. سهروردی در این رساله نیز جایگاه ویژه‌ای برای امام علی علیه السلام قائل است؛ اما جالب اینکه بیشتر بر خصلت عفو و بخشایش و گذشت امام در برخورد با گناه و لغزش حتی در مقام قضاوت تأکید می‌کند و حکایات متعددی در این باره می‌آورد که در فتوت‌نامه‌ها

امری بی‌سابقه و شاید در ادبیات دینی کم‌سابقه باشد؛ زیرا در آنها امام سعی می‌کند از خطا و گناهانی مانند خون و قصاص و دیگر اتهامات گذشت کرده، طرفین و اولیای دم را به گذشت رهنمون کند (سهروردی، ۱۳۷۰، «ب»، صص ۱۰۶-۱۰۹ و ۱۱۳-۱۱۵).

وی در این باره طرح جالبی از حکایتی نقل می‌کند که در دیگر فتوت‌نامه‌ها، از جمله فتوت‌نامه‌های عبدالرزاق کاشانی و زرکوب با تفاوت‌هایی بیان شده است. وی حکایت می‌کند: شخصی بر پیامبر وارد شد و ادعا کرد بیگانه‌ای را در خانه با زن خویش دیده است. پیامبر در میان صحابه علی را فرستاد؛ چون: «علی به علم از همه عالم‌تر بود و به فتوت از همه مشهورتر که پیغامبر فرموده است: "لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار" که جزوی از فتوت ستاری است. لاجرم او را فرستاده تا او برود و باز آید و گواهی به علم بدهد که هم گواهی او راست باشد و هم گواهی آن کس [که بر پیامبر وارد شد] دروغ باشد و مقصود آن بود تا زنا پوشیده بماند؛ زیرا که [خدا] ستارالعیوب و غفارالذنوب است. پس امیرالمؤمنین علی - کرم الله وجهه - برفت و بر در آن خانه، در بگشاد و اندرون رفت و دیده بر هم نهاد و گرد خانه برآمد و همچنان چشم بر هم نهاد، از خانه به‌در آمد و به خدمت رسول آمد، گفت: «والله ما رایت فی ذلک البیت احداً». گفت: به خدا که من هیچ کس در آن خانه ندیدم. راست گفت. دیده بر هم نهاده بود. لاجرم کس را ندید و بدین سبب است که پیغامبر فرمود: "انا مدینه العلم علی بابها" (همان، صص ۱۰۸-۱۰۹).

در فتوت‌نامه‌های دیگر این قصه با تفاوت‌هایی آمده است؛ اما خواهیم دید که این داستان در فتوت‌نامه عبدالرزاق کاشانی سرمنشأ آیین تشرّف فتوت، یعنی شرب آب و نمک برای اولین بار به امام علی (ع) منسوب شده است (همان، ص ۱۱۲). در ادامه، سهروردی ضمن اشاره به سلسله فتوت که در فتوت‌نامه قبلی به تفصیل بیشتری آورده بود، می‌نویسد: وقتی نبوت و فتوت به دوره پیامبر رسید، شریعت دین آشکار و آب چهار جوی شریعت و طریقت و حقیقت و معرفت در جهان روانه گشت؛ اما در زمان امام علی این چهار راه رونق گرفت و بر سر آن علمی برافراشته شد.

علی علیه السلام در فتوت‌نامه ناصری

در فتوت‌نامه منظوم «ناصری» که آن را ناصرالدین خسرو مشهور به «مولانا ناصری» به سال ۶۸۹ تصنیف کرده است نیز برجستگی امام علی علیه السلام در فتوت قابل ملاحظه است. وی نیز مانند بیشتر منابع پیشین، فتوت‌نامه خود را با حدیث «لافتی الا علی» پیامبر آغاز می‌کند و علت این امر را صفات عالی جوانمردی نزد امام علی علیه السلام، مانند شجاعت، سخاوت و بخشاینده‌گی می‌داند (ناصری، ۱۳۷۹، ص ۱۵۸).

وی با اشاره به مراسم آب و نمک و شرب در فتوت، آب و نمک را مهریه آدم به حوا و آب شیرین را مهریه علی به فاطمه دانسته، و شرب هر دو شربت را در فتوت جایز می‌داند (همان، ص ۱۷۴). این نکته از آن جهت نیز قابل توجه است که گروه‌های فتوت در دوره صفوی به جای شرب آب و نمک به شرب شربت گلاب در آیین فتوت اشاره کرده‌اند (چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، ۱۳۸۱، ص ۲۹۳).

وی نیز شلوار فتوت را ودیعه‌ای می‌داند که از آدم به ابراهیم و از وی به آل‌هاشم و حضرت محمد رسید و حضرت مصطفی آن را به علی شیر خدا داد و از امام علی علیه السلام نیز شلوار فتوت به سلمان فارسی رسید.

ناصر ضمن تقسیم فتوت به دو نوع سیفی و قولی، تصوف قولی را از آن کسانی می‌داند که با شنیدن دعوت پیامبر بدون اجبار و یا ترس، اسلام را پذیرفتند؛ مانند ابوبکر و علی علیه السلام. اما کسانی در فتوت سیفی هستند که در کنار امام علی علیه السلام در راه اسلام شمشیر به‌دست گرفتند و جنگیدند (ناصری، ۱۳۷۹، ص ۱۷۳). بدین ترتیب می‌بینیم دو گونه فتوت سیفی و قولی که در فتوت‌نامه زرکوب نیز آمده است، با امام علی مرتبط است؛ امری که در دوره‌های بعدی رنگ بارزتری به خود می‌گیرد.

علی^{علیه السلام} در فتوت‌نامه قریب

۱. نکاتی درباره فتوت‌نامه قریب

از فتوت‌نامه‌های مهمی که می‌توان آن را یکی از مآخذ اصلی فتوت‌نامه‌های دوره صفوی و حتی فتوت‌نامه‌هایی چون فتوت‌نامه نجم‌الدین زرکوب (وفات ۷۱۲) به حساب آورد، فتوت‌نامه‌ای است از نویسندہ‌ای ناشناس و از این رو به نام مالک نسخه، عبدالعظیم خان قریب شهرت یافته است.

پیش از پرداختن به ویژگی‌های این رساله، ذکر چند نکته درباره این فتوت‌نامه مفید به نظر می‌رسد. آقای مهران افشاری مصحح این رساله بر آن است زمان تألیف رساله قبل از سده نهم و احتمالاً سده هشتم است و علت اصلی این احتمال را ذکر رباعی‌ای از شیخ اوحدی مراغه‌ای از شاعران قرن هشتم در این فتوت‌نامه می‌داند. او می‌نویسد: «نام نویسنده این فتوت‌نامه بر ما معلوم نیست؛ اما ویژگی‌های زبانی آن دلالت بر این دارد که فراتر از قرن نهم نوشته نشده است و فاقد خصوصیات نشر عهد صفوی است. نویسنده فتوت‌نامه در یک جا از «اوحدی» یاد کرده است و از این رو پیشتر از قرن هشتم نیز نوشته نشده است» (چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، ۱۳۷۹، ص ۴۹). اما در ادامه از کهنگی متن آن که یادآور برخی ویژگی‌های سبک کهن خراسانی است، ابراز تعجب کرده، بیان می‌دارد: «شاید نویسنده متون کهن را در اختیار داشته و عین عبارات و جملات آنها را در فتوت‌نامه خود نقل کرده است» (همان، ص ۵۱).

با این اوصاف، در ذیل رباعی داخل متن که به شیخ اوحدی منسوب شده است، می‌نویسد: «رباعی مذکور در ذیل اشعار اوحدی مراغه‌ای تصحیح سعید نفیسی ذکر نشده است. دیوان رباعیات شیخ اوحدالدین کرمانی را هم جستجو کردیم و آن را در آنجا نیز نیافتیم» (همان، ص ۹۲). بنابراین تا صحت انتساب این رباعی به اوحدی معلوم نشده است، ذکر این رباعی نمی‌تواند بر تألیف فتوت‌نامه در سده هشتم دلالت کند، و ممکن است از سده هفتم باشد.

به جز کهنگی متن که مورد توجه مصحح نیز قرار گرفته و شواهدی از آن را در دیباچه آورده است (همان، ص ۵۲-۵۳)، باید نکات دیگری را نیز در این باره مدنظر داشت. نکته اول اینکه: به جز رباعی منسوب به اوحدی اشعاری از مولانا، سعدی و اوحالدین کرمانی نیز در متن آمده است که جملگی آنها در سده هفتم حیات داشته‌اند؛ در حالی که شعری از شاعران دوره بعد در آن مشاهده نمی‌کنیم.

نکته دوم اینکه: گرچه بحث‌های مشترکی در این فتوت‌نامه و فتوت‌نامه نجم‌الدین زرکوب وجود دارد، اما با توجه به دقت نظر نویسنده فتوت‌نامه قریب و تبخر و توانایی وی در طرح مباحث تاریخی و مباحثی مانند فتوت سه‌گانه شربی، سیفی و قولی و همچنین اصالت و ابداع در طرح موضوعات مربوط به ریشه‌های فتوت، به نظر نمی‌رسد متأثر از نجم‌الدین زرکوب بوده، بلکه بر عکس مطالب نجم‌الدین زرکوب به نوعی در بردارنده خلاصه محتویات این فتوت‌نامه است. این نکاتی است که می‌تواند در تعیین تاریخ تألیف فتوت‌نامه قریب مورد توجه قرار گیرد؛ بنابراین تصور می‌شود این فتوت‌نامه پیش از فتوت‌نامه نجم‌الدین زرکوب و در اواخر سده هفتم نوشته شده است.

این فتوت‌نامه در بیان عناصر فتوت و سابقه و نسبت آن با پیامبران و امام علی علیه السلام، دارای سبک و سیاق اصیل و ابداعی است؛ چنان‌که بیشتر عناصر فتوت مانند سراویل پوشاندن و شد بستن را طی رخداد‌های تاریخی بیان می‌کند. گرچه برخی مواقع بیان وی خالی از بیان اسطوره‌ای نیست، اما بستر آن حوادث تاریخی دوره پیامبر است؛ در واقع نوع ورود نویسنده به مباحث که پایه اصلی حکایات آن در قالبی تاریخی و روایی بیان می‌شود، در شیوه فتوت‌نامه‌نویسی بی‌نظیر است و هیچ شباهتی به فتوت‌نامه‌های دیگر ندارد.

نکته دیگری که درباره این فتوت‌نامه گفتنی است، تأثیر قابل ملاحظه این فتوت‌نامه بر فتوت‌نامه‌های دوره بعدی است. با توجه به توضیحاتی که ارائه شده،

بیشترین تأثیر را بر فتوت‌نامه نجم‌الدین زرکوب گذاشته است؛ چنان‌که زرکوب در بحث فتوت سیفی، قولی و شریبی بر پایه عناصر روایی و تاریخی فتوت‌نامه قریب به استکمال این بحث پرداخته و آن را به فتیان دوره حیات خود نیز منتسب کرده، برای هر کدام به‌ویژه در باب نوع سراویل و شد، تفصیلاتی افزوده است (زرکوب، ۱۳۷۰، ص ۱۸۷-۱۹۲).

همچنین در جای‌جای فتوت‌نامه‌های دوره صفوی، مطالب و حکایاتی به چشم می‌خورد که جز در فتوت‌نامه قریب نیامده است و این نشان می‌دهد این فتوت‌نامه یکی از مآخذ اصلی و مهم فتوت‌نامه‌های دوره تیموری و صفوی و حتی قاجاری بوده است.

نکته دیگر پای‌بندی شدید نویسنده به مبانی اعتقادی اهل سنت است و باوجود اینکه محور این فتوت‌نامه حکایات مربوط به امام علی علیه السلام است، به هیچ وجه از چارچوب اعتقادی اهل سنت و جماعت خارج نشده، در ستایش امام علی علیه السلام به مرزهای فتوت‌نامه‌هایی مانند فتوت‌نامه زرکوب و تحفة‌الاکوان عبدالرزاق کاشانی نزدیک نمی‌شود.

۲. جایگاه امام علی در فتوت‌نامه قریب

در این فتوت‌نامه ساختاری که در بسیاری از فتوت‌نامه‌ها درباره شجره فتوت آمده، کم‌وبیش تکرار می‌شود؛ اما به لحاظ وجه نظر تاریخی نویسنده به نام‌های متعددی از پیامبران و فرزندان آنها تا رسیدن به پدران و اجداد پیامبر اسلام بر می‌خوریم که در فتوت‌نامه‌ها بی‌سابقه است.

وی بر آن است از میان پیامبران فقط تعدادی توانستند لباس فتوت بر تن کنند که عبارتند از: آدم، شیث، نوح، ابراهیم، یوشع بن نون. سرانجام این لباس به اجداد پیامبر - قصی، عبدمناف، هاشم، عبدالمطلب - و سرانجام به عبدالله و محمد صلی الله علیه و آله رسید

که محمد نیز آن را به علی پوشانده و علی هم به سلمان. به این ترتیب می‌بینیم که در اینجا نیز سه شخصیت محوری محمد، علی و سلمان مطرح می‌شود (همان، ص ۱۰۰).

نویسنده با طرح داستان‌ها و روایت‌های طولانی راجع به جنگ‌های پیامبر و نقش خالد بن ولید و سلمان در آنها، بر آن است: در جنگ خیبر امام علی علیه السلام به خالد بن ولید و در جنگ حنین به سلمان لباس فتوت پوشانید و صفوان بن امیه و ابودردا سومین و چهارمین کمر بستگان علی بن ابی‌طالب علیه السلام هستند (همان، ص ۶۵-۷۰).

در یکی از حکایت‌ها به واقعه کمک امام علی به فقیر و نزول آیه «یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیمّاً و اسیراً» اشاره کرده، آن را با نذر امام علی و فاطمه برای شفاى امام حسن و امام حسین از بیماری مرتبط نموده، به تفصیل به این موضوع پرداخته است (همان، ص ۶۲-۶۳).

حکایت دیگری که تنها در این فتوت‌نامه آمده، مربوط به میهمانی پیامبر و ابوبکر و عمر و عثمان در خانه امام علی و فاطمه است که در آنجا پیامبر به امام علی خلعت فتوت می‌پوشاند و می‌فرماید: «لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار». حکایتی هم مربوط به مسلمان شدن کافری به دست علی علیه السلام به سبب جوانمردی ایشان نقل شده است که بر اساس آن، امام علی علیه السلام با شربت آب و نمک نومسلمان را به لباس فتوت درآورد و ابودردا اعتراض کرد که چرا به جای شیر از آب استفاده می‌کند و امام استفاده از آب و نمک در جایی که شیر نباشد را جایز دانستند (همان، صص ۶۳-۶۴ و ۷۶). این داستان در فتوت‌نامه زرکوب هم آمده است.

حکایت دیگر مربوط به میان‌بستن حضرت علی توسط پیامبر در واقعه حفر خندق گرد شهر مدینه است که پس از آن نیز به میان‌بستن مسلمانان توسط ابوبکر اشاره دارد. همچنین طی حکایتی از جوانمردی امام حسن نیز یاد می‌کند که قاتل خود را از

روی جوانمردی معرفی نمی‌کند که این حکایت در فتوت‌نامه شمس‌الدین آملی در **عرایس الفتون** نیز آمده است. در این حکایت آمده است:

چون امیرالمؤمنین حسن را - رضی الله عنه - زهر دادند و جگر وی پاره‌پاره می‌افتاد و برادرش حسین - رضی الله عنه - به بالین وی نشست بود، گفت: ای جان برادر! ما را بگوی که این کار را به تو که کرده است؟ تا سرِ وی از تن جدا کنم که به خاندن رسول الله چنین خیانت روا داشت. گفت: یا حسین من دعوی فتوت می‌کنم، اگر بگویم، غمازی کرده باشم و آنگه از درجه فتوت بیفتم در وقت مرگ و فردای قیامت در روی پدر وجد خود چون نگاه کنم؟ آنگه جان سپرد (همان، ص ۸۴-۸۶).

در بحث مربوط به فتوت سیفی، قولی و شربی نیز حکایات و اقوالی از امام علی و همچنین تفصیل بی‌سابقه داستان رویارویی پیامبر با ابوجهل در کودکی و کشتی با آن در نوجوانی و همچنین تفکیک سنت شرب خمر در فتوت ابوجهل از سنت شرب آب با نمک یا شیر با نمک در فتوت پیامبر را نقل می‌کند (همان، ص ۷۲-۷۵) که خلاصه‌ای از آن در فتوت‌نامه زرکوب نیز آمده است.

در این فتوت‌نامه، حدیثی نیز از ابوحنیفه نقل شده است و اشاراتی به خلفای سه‌گانه که در مورد آنها نیز تکریم صورت گرفته است. همچنین برای امام علی نیز لقب یا درود مخصوص شیعیان نیامده است؛ حتی در یکی از فقرات این فتوت‌نامه که در آن اهل بدعت از آمدن در کسوت فتوت منع شده‌اند، نویسنده منظور خود از اهل بدعت را مخالفان سنت و جماعت ذکر کرده است: «ششم مبدع بود و اعتقاد او کاعتقاد اهل سنت و جماعت نباشد، فتوت وی درست نبود» (همان، ص ۸۹).

از این عبارت معلوم می‌شود همه گروه‌های جوانمرد، الزاماً گرایش‌های شیعی نداشته، بلکه در میان سنیان متعصب نیز گروه‌های فتوت وجود داشته‌اند. دیگر اینکه این گروه‌ها نیز امام علی را به عنوان پیشوای فتوت پذیرفته و جایگاه ویژه‌ای برای وی قائل بوده‌اند.

امام علی (ع) در فتوت‌نامه زرکوب

از جمله فتوت‌نامه‌هایی که باید آن را نقطه تحوّل به جانب افسانه‌پردازی و اسطوره‌سازی اهل فتوت دانست، فتوت‌نامه نجم‌الدین زرکوب تبریزی است. نجم‌الدین آنچنان که در فتوت‌نامه بیان می‌کند، از پیروان مکتب عرفانی شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی است. بنابر تاریخ سنگ قبر نجم‌الدین، وی در سال ۷۱۲ وفات یافته است (کربن، ۱۳۶۳، ص ۵۹)؛ پس می‌توان گفت تألیف فتوت‌نامه وی با فتوت‌نامه منظوم ناصری تألیف ۶۸۹ تقریباً همزمان بوده است و در مواردی مانند توصیف فتوت‌قولی و سیفی با آن شباهت‌هایی دارد، اما استبعادی ندارد که این فتوت‌نامه را به نوعی متحول‌تر از فتوت‌نامه ناصری به حساب آوریم؛ از جمله اینکه وی در کنار اشاره به فتوت‌قولی و سیفی که در فتوت‌نامه ناصری آمده، به فوت شربی اشاره کرده، هر کدام را به تفصیل توضیح داده است.

وی در کتاب خویش خطابی منسوب به پیامبر می‌آورد که در پاسخ سؤالی از امام علی (ع) فرمود: «انت الفتی الاول من امتی». سپس در ادامه این بحث به فتوت ابوبکر در غار و همچنین بخشش و سخاوت تمام اموالش به پیامبر اشاره دارد و امام علی را نیز به سبب بخشش دارایی‌اش به فقیر شایسته مقام سخاوت دانسته، معتقد است: آیه «والذین ینفقون اموالهم باللیل والنهار سرّاً وعلانیة» در حق امام علی نازل شده است؛ همچنان که «امیرالمؤمنین علی - کرم الله وجهه - با عیال سه شبانه‌روز بود که افطار نکرده بودند، پنج قرص نان از جو پختند، یکی امیرالمؤمنین را و یکی حسن را و یکی حسین را و یکی فاطمه را و یکی خدمتکار را - رضوان الله علیهم اجمعین - حالی درویش بر در آمده، امیرالمؤمنین آن خود بدان درویش داد. فاطمه نیز نصیب خود بداد، حسن و حسین نیز بدادند، خادمه نیز بداد» (زرکوب، ۱۳۷۰، ص ۱۸۰).

زرکوب نیز همانند ناصر پیشگامان فتوت قولی را ابوبکر و امام علی علیهما السلام می‌داند بر این اساس که «از پیران ابوبکر صدیق، از جوانان امیرالمؤمنین علی - رضی الله عنهما - و از زنان خدیجه و از بندگان بلال حبشی».

«همچنین فتوت سیفی ایشانند که شمشیر ایشان را در اسلام آورده باشد و مسلمان گشته و لذت اسلام یافته و خدمت امیرالمؤمنین - کرم الله وجهه - به رفاقت اختیار کرده و ایشان اهل غذا باشند، در صورت با کافر غذا کنند و در معنی با نفس خویش... و طریقه این، چنان است که: حالی که تربیه، نام صاحب اختیار کرد، به قول یا به نام او، شربت نمک آب خورد، شمشیر بدو دهند؛ چنان که پیامبر - صلی الله علیه و سلم - که ذوالفقار به دست امیرالمؤمنین علی داد - کرم الله وجهه» (همان، ص ۱۸۹).

زرکوب اهل فتوت شربی را کسانی می‌داند که برخیزند و به نام صاحب شربت نمک بخورند. سپس اشاره می‌کند: پیامبر به یاران جوانمرد شیر می‌داد و امام علی آب نمک و وقتی به ایشان گفتند که چرا بدعت می‌نهی، فرمود: «تفاوت نکند، بدعتی حسن است؛ همه جای شیر حاصل نشود و مردم محروم مانند» (همان، ص ۱۹۱).

در چند جای دیگر از فتوت‌نامه به پیروی فتیان از پیامبر و امام علی و نسبت «قدح» و «شد» به ایشان نیز اشاره کرده، حدیثی از امام حسن علیه السلام با لقب امیرالمؤمنین حسن بن امیرالمؤمنین علی می‌آورد و به جوانمردی امام علی با ابن ملجم پیش از شهادت اشاره کرده که فرمود: «ما بعد از گناه عفو کنیم نه پیش از گناه عقوبت» (همان، ص ۲۲۱).

اما از همه جالب‌تر، حدیثی است که از قول پیامبر درباره سراول نقل می‌کند که می‌تواند نقطه اوج بر ساختن حدیث در فتوت‌نامه‌ها و نشان‌دهنده ورود نوع خاصی از فتوت‌نامه‌نویسی باشد که رفته‌رفته از جهت‌گیری‌های تاریخی خارج و به جانب افسانه‌سازی در حرکت است؛ امری که به هیچ وجه در فتوت‌نامه‌های آغازین و حتی

فتوت‌نامه ابن معمار سابقه ندارد. وی می‌نویسد: «اول کسی که زیرجامه پوشید، ابراهیم خلیل بود - علیه‌السلام - و اول کسی که مهمانی کرد هم او بود. قال النبی - صلی الله علیه و سلم - «أول من اضاف الضیف ابراهیم و أول من لبس السراویل ابراهیم» و گفته‌اند: «لافتی الآ بسراویل»، یعنی نیست جوانمردی الا به شلوار.

به نظر می‌رسد خود زرکوب هم به بی‌اعتباری این عبارت واقف بوده است؛ زیرا مجبور می‌شود در توجیه عبارت آخر یعنی «نیست جوانمردی الا به شلوار» دست به تأویل زده، اضافه کند: «معنی‌اش آن باشد که امانت شلوار نگه دارند تا به حرام نگشایند» (همان، ص ۱۹۶).

به هر حال، آوردن چنین مطلبی در واقع شاهد مثالی است بر تغییر جهت فتوت‌نامه‌ها در این دوران که نقطه شروعی برای ده‌ها فتوت‌نامه‌ای است که در سده‌های دهم تا سیزدهم هجری در ایران و عثمانی نوشته شد که به کلی با میراث گذشته‌اش هم از نظر ادبی و هم از نظر آیینی متفاوت بود.

فتوت‌نامه‌های آملی و همدانی

پیش از پرداختن به تحفة‌الاکخوان به دو فتوت‌نامه دیگر اشاره می‌شود که به لحاظ زمانی بعد از فتوت‌نامه عبدالرزاق قرار دارد. یکی از آنها در واقع «فصل پنجم از علوم متصوفه (علم فتوت)» کتاب نفایس الفنون فی عرایس العیون از شمس‌الدین محمد بن محمود آملی (م. ۷۵۳) است که به لحاظ تألیفی چندان اصالتی ندارد و بخش عمده و اساسی آن بازنویسی از فتوت‌نامه ابن معمار و عبدالرزاق کاشانی است. در این فتوت‌نامه نیز همانند تحفة‌الاکخوان به قطبیت امام علی و خاتمیت مهدی اشاره شده، از حکایات آن کتاب نیز مطالبی به عینه نقل شده است (آملی، ۱۳۸۱، جزء دوم، ص ۱۱۳ به بعد). ضمن آنکه در این فتوت‌نامه ۲۵ اصطلاح از اصلاحات فتوت آمده است و از جهت در برداشتن این اصطلاحات، اهمیت دارد (همان، ص ۱۲۲ به بعد).

فتوت‌نامه دیگر تألیف میرسیدعلی همدانی (۷۱۴-۷۸۶ق) از مشایخ کبرویه است. این فتوت‌نامه اصیل و دربردارنده نکات ظریف و عمیقی است، اما در آن کمتر به اسطوره و آیین‌های فتوت توجه شده است. در این فتوت‌نامه گرچه گرایش‌های شیعی به چشم نمی‌خورد و اهل‌بیت و صحابه پیامبر در کنار هم تکریم شده‌اند (همدانی، ۱۳۸۲، صص ۱۵۵ و ۱۹۸)، تصریح شده است که پیامبر طریقت و فتوت را به امام علی مخصوص گردانید؛ از این‌رو سلسله طریقت و فتوت را باید از طریق ایشان به پیامبر رساند (همان، ص ۱۵۶)؛ زیرا امام منبع چشمه فتوت و معدن جود و مروت است (همان، ص ۱۶۵)؛ بر این اساس شخص همدانی نیز نسبت فتوت خود را از طریق مشایخ صوفیه و با واسطه کمیل بن زیاد به امام علی می‌رساند (همان، ص ۱۹۰-۱۹۶).

گرایش‌های شیعی در تحفة‌الاخوان و فتوت‌نامه کاشانی

عبدالرزاق کاشانی (م. ۷۳۶) تقریباً یک قرن بعد از ابن معمار و سهروردی دو فتوت‌نامه تألیف کرد. یکی از آنها به عربی با عنوان *تحفة‌الاخوان فی خصایص الفتیان* و فتوت‌نامه دیگری به فارسی که در واقع ترجمه و صورت ایرانی تحفة‌الاخوان است. درباره شخصیت عبدالرزاق باید گفت: وی بزرگ‌ترین مروّج مکتب عرفان نظری ابن عربی در ایران و از طرفی به لحاظ عملی وابسته به طریقه سهروردی است. با این اوصاف، گرایش‌های شدید شیعی او برخی از محققان را بر آن داشته تا او را شیعه امامی بدانند. گرچه این امر با اسناد خرقه او ناسازگار است (زرین‌کوب، ۱۳۶۹، ص ۱۳۲)، ولی جهت‌گیری‌های او گاهی از حد تشیع محبانه فراتر و به تشیع اعتقادی نزدیک می‌شود؛ از جمله آنچه درباره امام دوازدهم شیعیان، حضرت مهدی (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) در فتوت‌نامه بیان داشته است.

البته نباید از نظر دور داشت که قرن هشتم که عبدالرزاق و نجم‌الدین زرکوب در آن دست به تألیف فتوت‌نامه زده‌اند، به طور کلی دوره‌ای است که ما در تصوف

شاهد گرایش‌های بی‌سابقه شیعی هستیم که هم در آثار صوفیه و هم در گرایش‌ها و فرقه‌های تصوّف به چشم می‌خورد. این تحول زمینه سیاسی و فرهنگی اتفاقاتی است که در عصر صفوی به وقوع پیوست. نتیجه فرهنگی آن به طور عمده شامل ظهور عرفای متأله دوره صفوی مانند میرداماد، ملاصدرا، فیض کاشانی و فیاض لاهیجی و تغییر گرایش اعتقادی برخی از سلسله‌های تصوف مانند نعمت‌الهی، ذهبیه از مذهب سنت و به مکتب تشیع است و نتیجه سیاسی آن پایه‌گذاری حکومت صوفیان صفوی با گرایش تشیع غالی است.

فتوت‌نامه عبدالرزاق که در جای‌جای آن احادیث و اشارات و حکایاتی مربوط به امام علی علیه السلام آمده است، از چند جهت نقطه عطف فتوت‌نامه‌هاست. اول اینکه: منسجم‌ترین فتوت‌نامه صوفیانه است که در این دوره نوشته شد و این امر مربوط به توانایی علمی عبدالرزاق است که از سرامدان تصوف علمی سده هشتم است. دوم اینکه: وی سعی دارد با ظرافت گرایش‌های شیعی فتوت‌نامه‌های قبلی را به مباحث اعتقادی شیعه بکشد، و از همه مهم‌تر اینکه عبدالرزاق برای اولین بار به طور جسارت‌آمیزی داستان چشم‌بستن امام علی علیه السلام در بازدید از خانه متهمان که در فتوت‌نامه سهروردی آمده است را با آیین شرب آب و نمک جوانمردان در فتوت‌نامه ابن معمار تلفیق کرده، این مراسم را به سنت پیامبر و امام علی مربوط ساخته است. این در حالی است که این مراسم در فتوت‌نامه ابن معمار هیچ ارتباطی با امام علی ندارد (ابن معمار، ۱۹۵۷م، ص ۲۱۴). از طرفی همان‌طور که پیشتر ملاحظه شد، سهروردی نیز که برای اولین بار این داستان را در فتوت‌نامه آورده، اشاره‌ای به مراسم شرب آب و نمک نمی‌کند.

در واقع ابن معمار در کتاب الفتوة خویش، هیچ یک از آیین‌های جوانمردان که در سنت‌های جوانمردان و عیاران دوره خود معمول بوده است را با روایات برگرفته از پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام نیامیخته و هر کدام از این مباحث را جداگانه طرح کرده، در این

کار امانتداری نموده است. حکایاتی نیز که وی از پیامبر و امام علی علیه السلام در کتاب خود آورده است، به نوعی یادآوری و آموزش به اهل فتوت است که باید امام علی علیه السلام و پیامبران را الگو و سرمشق خود قرار دهند و از این رو داستان‌سرایی‌های معمول در فتوت‌نامه‌های بعدی به‌ویژه آنگونه که در فتوت‌نامه‌های نجم‌الدین زرکوب و عبدالرزاق آمده است، در کتاب الفتوة ابن معمار جایی ندارد.

بنابراین منشأ باورهای شیعی که در دوره‌های بعدی، بعد آیینی پیچیده‌ای به خود گرفته را باید در فتوت‌نامه عبدالرزاق کاشانی جستجو کرد. طرح این عقاید توسط عبدالرزاق در قرن نهم در فتوت‌نامه سلطانی به اوج می‌رسد و در برخی فتوت‌نامه‌های دوره صفوی از حد و حدود متعارف فراتر گذاشته، شکل مبالغه‌آمیز و عوامانه‌ای به خود می‌گیرد.

حکایت شرب آب و نمک عبدالرزاق در ضمن از عنصر شیعی دیگر نیز خالی نیست و آن حضور سلمان فارسی در این واقعه است که صبغه شیعی و ایرانی حکایت را کامل می‌کند؛ خط سیری که البته از دوره ابن معمار در سلسله فتوت مشاهده می‌شد. عبدالرزاق حکایت معروف مربوط به امام علی علیه السلام را اینگونه با آیین شرب اهل فتوت تلفیق می‌کند:

در خبر است که پیغامبر- علیه الصلوة و السلام - روزی با جمعی نشسته بود، شخصی درآمد و گفت یا رسول الله در فلان خانه مردی و زنی به فساد مشغولند. فرمودند ایشان را طلب باید داشت و تفحص کردن. چند کسی از صحابه در احضار ایشان دستوری خواستند، هیچ‌یک را اجازت نداد. امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - درآمد، فرمود یا علی تو برو ببین تا این حال راست است یا نه؟

امیرالمؤمنین علی بیامد، چون به در خانه رسید، چشم بر هم نهاد و در اندرون رفت و دست بر دیوار می‌کشید تا گرد خانه برگردید و بیرون آمد. چون پیش پیغامبر رسید، گفت یا رسول الله گرد آن خانه برآمدم، هیچ‌کس را در آنجا ندیدم. پیغامبر - علیه الصلوة و السلام - به نور نبوت بیافت. فرمود که یا علی

«انت فتی هذه الامه»: تو جوانمرد این امتی. بعد از آن قدحی آب و قدری نمک خواست، سلمان فارسی آن را حاضر کرد. رسول - علیه الصلوة و السلام - کفی نمک برداشت و گفت: «هذه الطریقه» و در وی افکند و کفی دیگر برداشت و گفت: «هذه الحقیقه» و درو انداخت و به علی داد تا قدری باز خورد و گفت: «انت رفیقی و أنا رفیق جبرئیل و جبرئیل رفیق الله تعالی»، و بعد از آن سلمان را فرمود تا رفیق علی شد و قدح از دست او باز خورد و خذیفه را فرمود تا رفیق سلمان شد و قدح از دست سلمان باز خورد. بعد از آن زیرجامه خود بر علی پوشاند و میان او در بست و فرمود که «اکملک یا علی»؛ یعنی تو را تکمیل می‌کنم، و مأخذ و اصل این طریقت این حدیث است (کاشانی، ۱۳۶۹، ص ۲۳۰-۲۳۱).

به جز مواردی که یادآوری شد، نکته دیگر این حکایت نفی دیگر صحابه است که قصد داشتند از این خانه دیدن کنند؛ اما پیامبر کسی را جز امام علی واجد شرایط نمی‌دانستند. نکته دیگر در این باره اینکه باوجود همه فتوت‌نامه‌های پیشین که در آن به نوعی از برخی خلفا یاد شده بود و یا در کنار سلام بر پیامبر و آتش بر صحابه نیز درود نثار شده بود، در فتوت‌نامه عبدالرزاق نامی از خلفای سه‌گانه (ابوبکر، عمر و عثمان) نیامده است (قس با: گولپینارلی، ۱۳۷۹، ص ۲۸). همچنین در کنار سلام بر پیامبر بدون اشاره به صحابه فقط به آل پیامبر درود نثار شده است. این خود نشان از گرایش نسبتاً تند شیعی است که در شیوه فتوت‌نامه‌نویسی آن دوران معمول نبوده است. به‌جز اینکه یک جا در درآمد متن فارسی بر پیامبر و اصحاب او خصوصاً سرور فتیان کریم هر دو جهان، اسدالله غالب علی بن ابی‌طالب - علیه‌السلام - درود فرستاده که دلیل آن ذکر خواهد شد.

پیش از پرداختن به نکته مهم و جالبی درباره فتوت ابراهیم و امام علی که در بردارنده امر بدیعی در فتوت‌نامه‌هاست و نشان از گرایش عرفانی و شیعی عبدالرزاق و یادآور مفهوم ولایت و مظهریت مطلقه و مقیده آن در مکتب ابن عربی است، به جایگاه ائمه شیعه در این فتوت‌نامه اشاره می‌کنیم.

اکنون به مقایسه فتوت امام علی علیه السلام و ابراهیم علیه السلام می‌پردازیم که در آن گرایش‌های اعتقادی کاشانی به جانب تشیع اعتقادی معلوم می‌شود. در عین حال متن تحفة‌الاخوان را با فتوت‌نامه فارسی کاشانی مقایسه نموده، سانسور ناشیانه آن را نشان می‌دهیم.

عبدالرزاق در تحفة‌الاخوان ابتدا از جوانمردی اصحاب کهف یاد کرده، سپس از حضرت ابراهیم به عنوان منبع، مظهر فتوت باطنی و ظاهری مؤسس قواعد فتوت یاد می‌کند و از جمله دلایل این امر را تجرد ابراهیم از دنیا، پدر و قومش، هجرت و صبر بر ذبح اسماعیل و شجاعت وی در شکستن بت‌ها می‌داند (همان، ص ۵۰).

اما در مقابل، قطب فتوت را علی بن ابی‌طالب می‌داند و دلایل آن را زهد و ورع و شجاعت امام و بخشیدن طعام در سه روز متوالی به مسکین و یتیم و اسیر و به‌ویژه بذل جان هنگام خواب در خوابگاه پیامبر موقع خروج ایشان از مکه و محاربه با دشمنان می‌داند. برای همین درباره امام علی جبرئیل ندا داد: «لافتی الا علی» (همان، ص ۵۱).

وی در مقایسه جالبی نسبت فتوت ابراهیم علیه السلام به امام علی را نسبت ذبح فرزند و ذبح نفس می‌داند که البته دومی مقام بالاتری است و سپس از نقطه، قطب و خاتم نبوت سخن می‌گوید که به ترتیب از آن آدم علیه السلام، ابراهیم علیه السلام، و حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. بر این اساس، برای فتوت هم نسبتی این چنین مطرح می‌کند که در آن گرایش شیعی و عرفانی وی آشکار می‌شود. وی ضمن برتر نهادن ولی بر نبی و به تبع آن امام علی علیه السلام بر ابراهیم، مهدی صاحب زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را خاتم فتوت معرفی می‌کند. وی نقطه فتوت را ابراهیم، قطب فتوت را امام علی و خاتم فتوت را مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌داند که امری بی‌سابقه و بسیار متأثر از اعتقادات شیعه در امر ولایت است. عبارت کاشانی را در این باره نقل و آن را با فتوت‌نامه فارسی وی مقایسه می‌کنیم:

فنسبة فتوة ابراهيم عليه السلام الى فتوة على عليه السلام نسبة ذبح الولد الى فدى النفس و يختمها خاتم الولاية اعنى المهدي فى آخر الزمان - صلوات الله عليه - كما انَّ اول نقطه النبوة هو آدم صفى الله - عليه السلام - و قطبها ابراهيم خليل الله - عليه السلام. المأمور باتباعه فيها و خاتمها محمد حبيب الله - صلى الله عليه و آله. فنسبة فتوة امير المؤمنين - عليه السلام - الى فتوة ابراهيم - صلوات الله عليه - كنسبة نبوته الى نبوة آدم - صلوات الرحمن عليه» (همان، ص ۵۱).

سانسور عبارات تحفة الاخوان در ترجمه فارسی و حذف عقاید شیعی در ترجمه

چنان که از متن پیداست، به صراحت از خاتمیت فتوه و ولایت مهدی بحث شده است؛ اما در متن فارسی، بخشی از عبارت حذف شده است؛ یعنی آن بخش شیعیانه مطلب که به برتری مقام فتوت امام علی علیه السلام بر حضرت ابراهیم تصریح کرده، از حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با عنوان خاتم ولایت و خاتم نبوت یاد نموده است. در واقع ترجمه عبارت «فنسبة فتوة ابراهيم - عليه السلام - الى فتوة على - عليه السلام - نسبة ذبح الولد الى فدى النفس و يختمها خاتم الولاية» حذف شده، تنها عبارت «در آخر زمان اعنى مهدى عليه السلام» به عبارت جملات پیشین اضافه شده است که کاملاً بی معناست و نشان از حذف عجولانه آن دارد. عبارت فتوت نامه فارسی اینگونه است: «امام علی به صفت «لافتی الا علی» در میان خاص و عام مشهور شد؛ در آخر زمان اعنى مهدى - عليه السلام - . چنان که نقطه اول نبوت آدم است و قطب آن ابراهیم و خاتم آن محمد - عليهم الصلوة و السلام -» (همان، ص ۲۲۹).

در مقایسه اینگونه عبارات در متن تحفة الاخوان فی خصایص الفتیان و ترجمه فارسی آن که با عنوان فتوت نامه فارسی از آن یاد می کنیم، نکته ظریفی به چشم می خورد و آن اینکه: عبدالرزاق در متن عربی در نشان دادن گرایش شیعی خود آزادی عمل بیشتری داشته، در حالی که در ترجمه فارسی آن دچار خودسانسوری شده است. این امر نشان می دهد در محیط اجتماعی ایران در دوره عبدالرزاق هنوز مجال ظهور اندیشه اعتقادی شیعه به طور صریح وجود نداشته است.

شاهد دیگر این مدعا، آن است که عبدالرزاق به طور عمومی در تحفة‌الاکخوان بعد از نام پیامبر، بر وی و آلش درود می‌فرستد، اما در ترجمه فارسی در مقابل نام حضرت پیامبر «علیه‌السلام» و یا «علیه الصلوة والسلام» می‌آورد. این در حالی است که تقریباً عبارات و فصول و جملات و احادیثی که در دو کتاب نقل می‌کند، یکی است. تنها جایی از ترجمه هم که بر پیامبر و آلش درود می‌فرستد، در مقدمه فتوت‌نامه فارسی است، اما در آنجا نیز خلاف رسم شیعه بر صحابه هم درود نثار شده است؛ این در حالی است که در متن تحفة‌الاکخوان درود بر صحابه نیامده است (کاشانی، ۱۳۶۹، صص ۴۶ و ۲۲۲).

مورد دیگر در مقایسه باب توبه تحفة‌الاکخوان با همان باب در فتوت‌نامه فارسی قابل مشاهده است. به این ترتیب که همه عبارات و احادیث باب توبه ترجمه فارسی همانند متن تحفة‌الاکخوان است، اما روایتی که از امام سجاد^{علیه السلام} درباره توبه آمده و عبارتی کوتاه است، حذف شده است. این در حالی است که در متن تحفة‌الاکخوان القابی که برای امام سجاد آمده است، صبغه شیعی قابل ملاحظه‌ای به خود گرفته تا منویات نویسندگان در آن آشکار شود؛ در واقع عبدالرزاق با آوردن عبارت «الامام المعصوم» برای امام سجاد بر عصمت امام به عنوان اعتقادی شیعی تأکید دارد. عبارت این است: «و قال الامام المعصوم زين العابدين علي بن الحسين عليهما السلام: "ليست التوبة بالكلام و لكن بالعمل و الرجوع من الذنب"» (همان، ص ۵۶). جالب اینکه در فتوت‌نامه فارسی در باب سخای امام حسین و امام حسن علیهما السلام مطلبی نقل شده که در تحفة‌الاکخوان نیامده است؛ اما محتوای این خبر با مبانی اعتقادی شیعه امامی سازگاری چندانی ندارد (همان، ص ۲۴۲).

مقایسه این دو فتوت‌نامه نشان می‌دهد عبدالرزاق در نوشتن تحفة‌الاکخوان که به عربی تألیف شده است، مجال بیشتری برای اظهار عقاید خود داشته است. گویا زبان عربی که زبان علمی آن دوران است، کمتر نویسندگان را در معرض اتهامات عوامانه قرار می‌داده است؛ زیرا در برگردان فارسی که برای استفاده غیر عالمان تدوین شده

است، عباراتی که به‌صراحت بیانگر عقاید خاص شیعه است، حذف شده است. این امر نشان می‌دهد در اواسط دوره ایلخانی نیز هنوز عقاید شیعه در ایران عمومیت نداشته است.

اما قدر مسلم این است که عبدالرزاق در نوشتن تحفة‌الاکھوان به شکل صریح عقاید شیعی خود را بروز داده است و از این جهت باید وی را در کنار شخصیت‌هایی از این دوران، مانند سعدالدین حمویه قرار داد و طرح جدیدی از تشیع را در نزد آنان جستجو کرد؛ اما این گرایش را نمی‌توان صرفاً تشیع محبانه نام نهاد؛ چون عقاید اینگونه عارفان به تشیع اعتقادی امامیه بسیار نزدیک شده است.

نتیجه

با مرور کلی این مقاله در می‌یابیم به اقتضای شرایط اجتماعی و دینی حوزه فرهنگی اسلام رفته‌رفته امام علی (ع) در فتوت‌نامه‌ها نقش محوری پیدا کرده، بسیاری از سنت‌های جوانمردان که احتمالاً ریشه در فرهنگ ایرانی و اسلامی داشته است، به ایشان منسوب شده است؛ زیرا امام به جز اینکه جانشین پیامبر و پیشوای معنوی و باطنی جامعه اسلامی بوده است، در زندگی روزمره نیز ویژگی‌های یک جوانمرد را دارا بوده است. بهره‌مندی از فضایل اخلاقی و روحیه حق‌طلبی و ضعیف‌نوازی و ایثار، در کنار دلیری و پهلوانی که جوانمردان به آن مباحثات داشتند، به نحو کامل در امام تجلی داشته است؛ با این همه شاهد آنیم که در فتوت‌نامه‌های متأخر، گذشته از اسطوره‌پردازی شخصیت امام، آرام‌آرام عقاید شیعی نیز مطرح می‌شود که اوج آن را در رساله تحفة‌الاکھوان می‌توان دید.

باید افزود این فتوت‌نامه در مقایسه با فتوت‌نامه‌های بعدی، مانند فتوت‌نامه سلطانی از دوره تیموری و ده‌ها فتوت‌نامه بعد از آن، به مثابه گام آغازین برای طرح عقاید شیعی در اینگونه آثار است؛ در واقع فتوت‌نامه‌ها هم‌نوا با جریان‌های فکری، اجتماعی و سیاسی دوران ایلخانی، تیموری و صفوی، از تفکر سنت و جماعت به جانب شیعه امامی متحول شده‌اند.

منابع

۱. آملی، شمس‌الدین محمد بن محمود؛ *نفایس الفنون فی عرایس العیون*؛ تصحیح ابراهیم میانجی؛ تهران: اسلامیه، ۱۳۸۱.
۲. ابن بطوطه؛ *سفرنامه*؛ ترجمه محمدعلی موحد؛ تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.
۳. ابن معمار، محمد بن ابوالکارم؛ *کتاب الفتوت*؛ مقدمه و تحقیق مصطفی جواد؛ بغداد: مکتب المثنی، ۱۹۵۷ م.
۴. *چهارده رساله در باب فتوت و اصناف*؛ تصحیح مهران افشاری و مهدی مداینی؛ تهران: چشمه، ۱۳۸۴.
۵. *رسایل جوانمردان*؛ تصحیح مرتضی صرّاف؛ ج ۲، تهران: انجمن ایران‌شناسی ایران و فرانسه و انتشارات معین، ۱۳۷۰.
۶. ریاض، محمد؛ *فتوت‌نامه*؛ تاریخ، آداب و رسوم، به انضمام رساله فتوتیه میرسیدعلی همدانی؛ تهران: اساطیر، ۱۳۸۲.
۷. زرکوب، نجم‌الدین؛ «*فتوت‌نامه*»؛ در *رسایل جوانمردان*؛ ۱۳۷۰.
۸. زرین کوب، عبدالحسین؛ *جستجو در تصوف ایران*؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷.
۹. _____؛ *دنباله جستجو در تصوف ایران*؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹.
۱۰. سهروردی، شهاب‌الدین؛ «*فتوت‌نامه*»؛ *رسایل جوانمردان*؛ ۱۳۷۰، «الف».
۱۱. _____؛ «*فتوت‌نامه*»؛ *رسایل جوانمردان*؛ ۱۳۷۰، «ب».
۱۲. سلمی، ابوعبدالرحمن؛ *مجموعه آثار*؛ گردآوری نصرالله پورجوادی؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲.
۱۳. _____؛ *قلندریه در تاریخ*؛ دگردیسی‌های یک ایدئولوژی؛ تهران: سخن، ۱۳۸۶.
۱۴. عقیفی، ابوالعلاء؛ *ملامتیه، صوفیه و فتوت*؛ ترجمه نصرت‌الله فروهر؛ تهران: الهام، ۱۳۷۶.
۱۵. کاشانی، عبدالرزاق؛ *تحفة‌الاخوان فی خصایص الفتیان*؛ تصحیح سیدمحمد دامادی؛ تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.

۱۶. کاشفی، حسین؛ **فتوت‌نامه سلطانی**؛ به اهتمام محمدجعفر محجوب؛ تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.
۱۷. شفیع کدکنی، محمدرضا؛ **قلندریه در تاریخ**؛ دگردیسی‌های یک ایدئولوژی؛ تهران: سخن، ۱۳۸۶.
۱۸. کرین، هانری؛ **آیین جوانمردی**؛ ترجمه احسان نراقی؛ تهران: نو، ۱۳۶۳.
۱۹. کیکاووس بن اسکندر؛ **قابوس‌نامه**؛ تحقیق غلامحسین یوسفی؛ ج ۳، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
۲۰. گولپینارلی، عبدالباقی؛ **فتوت در کشورهای اسلامی**؛ ترجمه توفیق هسبحانی؛ تهران: روزنه، ۱۳۷۹.
۲۱. ناصری، ناصرالدین خسرو؛ «**فتوت‌نامه منظوم**»، در: **فتوت در کشورهای اسلامی**؛ گولپینارلی؛ تهران: روزنه، ۱۳۷۹.
۲۲. همدانی، میرسیدعلی؛ «**رسالة فتوتیه**»، در: **فتوت‌نامه تاریخ**، آداب و رسوم محمد ریاض؛ تهران: اساطیر، ۱۳۸۲.